

آیت الله سید جعفر مرتضی عاملی

۱۳۱-۱۲۶

ناصرالدین انصاری

اقامت در قم، علاوه بر تالیف و تحصیل، به تدریس در حوزه و دانشگاه تربیت مدرس و تربیت شاگردان فراوان (همچون: استاد رسول جعفریان و استاد محمدعلی مهدوی راد و استاد سیدعلی میرشریفی) و تاسیس «منتدی جبل عامل» برای طلاب لبنانی و ارائه مشاوره‌های تحقیقاتی و تلاش برای ایجاد شرایط مناسب جهت تحصیل طلاب لبنانی پرداخت. آن مرحوم در اواخر سال ۱۳۷۳ ش (۱۹۹۳ م) پس از ۲۵ سال اقامت در قم، به لبنان بازگشت و فصل تازه‌ای در زندگی‌اش آغاز شد و تلاش‌هایش اوج گرفت. تاسیس مدرسه، کتابخانه، تربیت جوانان و طلاب، حمایت از انقلاب اسلامی ایران و جنبش حزب الله، پاسخگویی به انبوه استفتائات فقهی و تاریخی، تدریس و تالیف بخشی از فعالیت‌های وی است. در پی بروز شبهاتی از سوی مرحوم سید محمدحسین فضل الله درباره چگونگی شهادت حضرت زهرا (س)، از وی - با وجود سابقه دوستی دیرین با او - بُرید و کتاب مشهور «مأساة الزهراء» را نگاشت. او سدی استوار در مقابل شبهات اعتقادی بود و شبانه روز به کارهای سترگ علمی خویش پرداخت و در عمر گرانبارش ده‌ها کتاب ارزنده و مانا پدید آورد.

استاد محمدعلی مهدوی راد، درباره ایشان می‌گوید:

«من با آثار علامه سید جعفر مرتضی (رضوان الله) از حدود سی و پنج سال قبل آشنا شدم. از اولین آثاری که از میراث مکتوب ایشان خواندم، کتاب «الحيات السياسية الامام رضا(ع) و بعد هم «حدیث عشق» بود و بعد از آن به لطف دوست عزیزمان حضرت آقای جعفریان که به شاگردی و استفاده از محضر

مرحوم آیت الله آقای حاج سید جعفر مرتضی حسینی عاملی، یکی از مشهورترین مورخین و محققین تاریخ اسلام بود که آوازه آثارش، در جهان اسلام طنین افکن است.

معظم له در روز جمعه ۲۵ صفرالخير ۱۳۶۴ ق (۲۰ بهمن ۱۳۲۳ ش)، در روستای «عیتالجبیل» - در ۱۱۰ کیلومتری بیروت، و در جبل عامل - زاده شد و پس از یادگیری علوم نخستین نزد پدرش، در ۱۳۸۲ ق، رهسپار نجف اشرف شد و در جامعة النجف، تحصیلات خویش را نزد حضرات آیات: شیخ محمدتقی جواهری، سید عبدالصاحب حکیم و شیخ محمدهادی معرفت آغاز کرد و سطوح عالی‌ه را فرا گرفت. سپس در ۱۳۸۸ ق، رهسپار قم شد و در بیرونی خانه آیت الله سید ابوالفضل میرمحمدی اقامت گزید و تمام سطوح عالی‌ه را نزد ایشان تکمیل و تنقیح نمود و از این رهگذر با حضرات آیات: شبیری زنجانی، احمدی میانجی و سید مهدی روحانی آشنا شد و بیشترین و بهترین استفاده علمی را از محضر این بزرگان برد و مسیر تحقیق و تتبع علمی خویش را انتخاب نمود. آنان جزو برترین علمای حوزه علمیه قم در رشته تاریخ اسلام بودند و محضر علمی شان به بحث و بررسی زوایای تاریخ می‌گذشت و سید جعفر مرتضی هم در این مجالس بالید و پرورید و شکوفه‌های تحقیق در ذهن جوّالش بارور گشت و نتیجه آن، نگارش ده‌ها کتاب تاریخی - که ریشه در بحث‌های آنان داشت - از سوی وی بود. او علاوه بر این، به تحصیل دروس فقه و اصول نزد حضرات آیات: میرزاهاشم آملی، فانی اصفهانی، حاج آقا مرتضی حایری و شبیری زنجانی هم پرداخت و مبانی علمی‌اش را استوار ساخت، اما او دل در گرو پژوهش‌های تاریخی و کشف زوایای پنهان آن داشت. وی در سال‌های

ایشان افتخار می‌کنند، با حضرت استاد علامه سید جعفر مرتضی زمانی که در قم زندگی می‌کردند، آشنایی مستقیم پیدا کردم و از محضر ایشان بسیار استفاده بردم. بعد از آن هم که ایشان به لبنان تشریف بردند، هرگاه که من به لبنان می‌رفتم، خدمت ایشان می‌رسیدم و از ایشان بهره می‌بردم و از آثار ایشان هم استفاده می‌کردم. آثار ایشان خیلی زیاد است و میراث قلمی ایشان واقعا جزو آثار افتخارآمیز فرهنگ و میراث مکتوب ما است. حقیقتا این مرد بزرگ همت طاقت‌شکنی داشت، خیلی آدم عجیبی بود، ایشان در روزگار مریضی یک بخشی از سیره امام حسین(ع) را در همان اتاقی که در ایام بیماری برای ایشان فراهم کرده بودند و کتاب‌ها را به ایشان می‌رسانند، تقریر می‌کردند.

در میان آثار ایشان، شاید مهم‌ترین اثر «الصحيح من سيرة النبي الاعظم» است. من به صورت فشرده به بخشی از وجوه اهمیت آثار ایشان اشاره می‌کنم. اولین نکته مهم آثار ایشان، تتبع کم نظیر یا بی نظیر است. مرحوم استاد مرتضی بسیار بسیار گسترده نگاه بود و در به سامان رساندن یک موضوع و یک مطلبی به جمع چند منبع اکتفاء نمی‌کرد. در همین گستره‌ی تتبع، کار ایشان یک ویژگی‌ای دارد که شاید کم نظیر باشد و آن بهره‌مندی از منابع گسترده جنبی است.

در روش تحقیق، آن‌هایی که اهل پژوهش هستند می‌دانند که کارآمدترین ابزار، منابع جنبی است. منابع مستقیم چون مکرر دیده می‌شوند، نوعا حرف تازه ندارند، مگر این که کسی قدرت تحلیل داشته باشد و از منابع مکرر دیده شده، حرف تازه‌ای را استخراج کند. مثلاً کسی که می‌خواهد در تاریخ اسلام بحث کند، بسیار طبیعی است که به تاریخ طبری مراجعه کند، یا به تاریخ‌های کهن و جدید نوشته شده مشهور مراجعه کند. ولی استاد در سامان دادن به کارهای پژوهشی خود، از همه آنچه که از دور و نزدیک می‌توانست، دست ایشان را بگیرد و به یک جای خیلی مطمئنی برساند، منابع ادبی، شعر، فقه، تفسیر و غیره همه این‌ها را به کار می‌گرفتند و گاهی بهره‌مندی از این منابع جنبی در مقایسه با منابع مستقیم، برای رسیدن به هدف و طرح حرف‌های تازه، او را بیشتر موفق می‌کرد.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان، ذهنیت خیلی حساس ایشان بود. در تحقیق می‌گویند که گزیدگی ذهن و پیدا کردن زاویه دید، بسیار بسیار مهم است. حضرت استاد جناب آقای جعفریان یک وقتی می‌فرمودند، که من یک متن بسیار کهنی را از سفر حج آوردم و به یکی از عالمان بزرگ دادم. این عالمان قدیم رسمشان است که در حاشیه کتاب دریافت‌هایشان را می‌نویسند، آن عالم بزرگ، کتاب دو جلدی قطور را خوانده بود و مجموعاً ده ده بیست مورد حاشیه زده بود، به بزرگوار دیگری دادم که سی چهل مورد حاشیه زده بود، اما وقتی به علامه مرتضی دادم، بیش از سیصد مورد به این کتاب حاشیه زده بودند.

ایشان ذهن بسیار حساسی داشتند که از هر متن خرد و کوچکی به یک نکته‌های کلان و موضوعات مهمی می‌رسید. همین ویژگی یک چیزی برای او به وجود آورده بود با عنوان نقادی. شما هیچ اثری از آثار ایشان را نمی‌بینید که دست‌های آلوده و دست‌های ناپیدای آلوده در تاریخ اسلام را شناسایی نکرده باشد. من چند روز قبل در کلاس درس، به شاگردان دوره دکتری می‌گفتم که اگر کسی فقط کتاب «الصحيح من سيرة النبي الاعظم» حضرت استاد را از اول تا آخر به دقت مطالعه کند، از مواردی که ایشان، روایت و حادثه تاریخی و موضوعات گوناگون را نقادی و بررسی کرده است و جریان‌های ناپیدا را افتابی کرده است، از این سی و پنج جلد، شاید سه چهار جلد کتاب به این شکل از آن استخراج شود.

مثلا در این صد سال اخیر در سیره رسول الله بعضی از علما به ناهنجاری بودن ماجرای «شق الصدر» متوجه شده‌اند، که گفته می‌شود در تاریخ اسلام وقتی که پیغمبر اکرم کودک بودند و در کنار حلیمه سعیدیه زندگی می‌کردند، یک حادثه‌ای اتفاق افتاده و ایشان آمده و به حلیمه گفته است که من را به بالای کوه بردند - نقل‌ها گوناگون است - و سینه‌ام را شکافتند، یا آنکه برادر رضاعی‌اش به مادرش گفت که محمد را بردند و سینه‌اش را شکافتند و قلبش را بیرون آوردند، شستشو کردند و مجدد جای خود گذاشتند. این دروغ را این قدر خوب درست کردند که بعضی از جاها نقل شده است که پیغمبر اکرم تا اواخر عمرش وقتی این قضیه را نقل می‌کرد، سینه و جای شکافته شدن سینه را نشان می‌داد. مرحوم صدر بلاغی، هاشم معروف الحسینی و بعضی دیگر از عالمان و بزرگان هم به نتیجه رسیده‌اند که این بحث نمی‌تواند درست باشد و مفسران غالباً ذیل «الم نشرح لک صدرک و وضعنا عنک وزرک»، این «شرح صدر» را به همان «شق

این دوروز ایشان برای آن جوان‌های رزمنده، تفسیر می‌گفتند، تفسیر سوره‌های کوچک را که یک بخش قابل توجهی از آنها هم چاپ شده است، که از جمله سوره ضحی، سوره مسد و تفسیر بسیاری از سوره‌های قصار چاپ شده است و سوره انسان هم در دو جلد چاپ شده است. دریافت‌های تفسیری ایشان هم جالب توجه است.

یک وقتی من بحث‌های فقهی ایشان را در ضمن کارهای تاریخی ایشان که نگاه می‌کردم، خیلی برای من جالب بود که تاملات فقهی ایشان، چه ارزیابی روایات به لحاظ سند، چه درون‌مایه و فقه الحدیثی، جالب توجه است. از آقای جعفریان سوال کردم و ایشان فرمودند که اصلاً من یک مدت قابل توجهی را در محضر ایشان فقه می‌خواندم و یک فقه بین متن و خارج را درس می‌دادند و خیلی هم در درشان موفق بودند. به هر حال ابعاد آثار این بزرگوار را در این گفتگوی کوتاه نمی‌توان به راحتی به درستی ارزیابی کرد.

سال‌ها قبل، آقای جعفریان به لحاظ علاقه‌ای که به ایشان دارد، یک نشست را برگزار کردند و گروهی از فاضلان کتابی را در روش‌شناسی تاریخی و روش سیره ایشان تهیه کردند که یک کتاب چهارصد پانصد صفحه‌ای است و مقالات متعددی در روش‌شناسی ایشان نوشته شده است که خواندن و قابل توجه است. سیره رسول الله ایشان را یکی از شاگردانش خلاصه کرده و در چند جلد نتایج استاد را به نتایجی که از بررسی حادثه‌ها، غزنه‌ها و ابعاد زندگی رسول الله به ایشان رسیده بودند، آنها را با دلایلش گزارش کرده است. من گمان می‌کنم که ان شاء الله فرزندان و شاگردان ایشان و علاقه‌مندان به ایشان با سیره علی و امام حسین (ع) بتوانند کاری کنند، حتماً قابل توجه است، این‌ها می‌تواند برای فاضلان دست‌مایه‌های خیلی خوبی باشد، اگر کسی بخواهد که در تاریخ اسلام به دقت و با دید نقادانه مطالعه کند، قطعاً از نگاه به آثار ایشان بی‌نیاز نخواهد بود.

نکته آخری پیدا کردن جریان اموی و دست‌ناپیدا و بسیار خطرناک اموی در تاریخ اسلام و ساختن صحابه‌ها و جریان‌ها برای اینکه یک تاریخ با قرائت اموی بتوانند درست کنند، است. علامه مرتضی از معدود کسانی است که در شخصیت و محدوده گزارش توانسته است این موارد را کشف کند، من ندیدم کسانی را که با این دقت و تامل بتوانند به مساله برسند.

به هر حال ما شخصیت بسیار بزرگی را از دست دادیم، این

صدر) تفسیر کرده‌اند، حتی برخی از مفسران خیلی بزرگ هم به خاطر اینکه نقل بسیار گسترده است، در این موضوع مانده‌اند، همین هاشم معروف الحسنی (رضوان الله) گفته است که قصه به افسانه بیشتر شبیه است، ولی چون نقلش خیلی زیاد است، این نقل زیاد غالباً راه‌زنی دارد، ولی هرگز نتوانسته در نقل‌های انبوه ساخته شده، آقای علامه مرتضی را بفریبید و برای او راه‌زنی درست کند. آن مرحوم بزرگوار فرمودند - شاید هم از باب مهاجرت باشد - که در کار از طریق معجزه عقل در آن راهی ندارد، ایشان نه تنها روایات این بحث را نقادی کرده است و نشان داده که نمی‌تواند درست باشد، بلکه ریشه آن را هم پیدا کرده است، یعنی به یک حادثه و فرهنگ جاهلی پیوند زده است و از آنجا نقد زده است که این داستان نمی‌تواند داستان درستی باشد.

یا قصه این‌که امام حسن و امام حسین (ع) قبلاً اسمشان «حرب» بوده است، این‌ها را نقادی کرده است. ایشان نقادی‌های گوناگونی در سیر این مسیر دارد. چه در سیره امام حسین (ع) و چه در سیره امام حسن (ع) و چه در سیره علی (ع) و رسول الله. یکی از نکاتی که من چند شب قبل در تلویزیون اشاره کردم، و به نظر من به ویژه در سیره پیامبر بسیار مهم است، در این سیره، حضرت استاد اول قرآنی هستند و بعد تاریخی. یعنی انگار قرآن را به خدمت سیره آورده‌اند و سیره‌نگاری کرده‌اند و تاریخ را در حاشیه قرآن پیش برده‌اند. ما از دوران‌های خیلی گذشته، سیره‌نویسانی داشتیم که به قرآن توجه داشتند، مثلاً قرن‌های اول صرفاً نقل بود و شاید بهترینش «مغازی واقدی» باشد که آیات مربوط به جنگ را نوعاً گزارش کرده و این سیره را می‌توان نوعی تفسیر جنگی و نبردی و غزه‌ای تاریخ اسلام هم گزارش کرد. ولی به قول بیهقی بزرگ، کار استاد از نوعی دیگر است، اصلاً نوع نگاه ایشان به آیات و بررسی آیات و استنباط از آیات برای سیره کار بسیار بسیار مهمی است. ایشان غیر از تاریخ و سیره که برای حضرت جواد دارد که اولین کار در سیره همان کار «الْحَيَاةُ السِّيَاسِيَّةُ لِلْإِمَامِ الرِّضَا» است. گمان کنم، هنوزم که هنوز است برای امام رضا (ع) کتابی از این زاویه و از بحث سیاسی، کتاب بی‌نظیری باشد، هر چند این کتاب مربوط به قبل از انقلاب است و بعد از انقلاب نیز بارها چاپ شده است.

سال‌های اخیر که ایشان در لبنان بودند، در همین زادگاهشان «عیتا الجبل»، با جوان‌های خیلی خوب و رزمندگان خوب حزب الله همراه بود. حدود ده سال قبل که من خدمت ایشان رفتم، هفته‌ای دو روز به آنجا می‌رفتم و در آنجا می‌ماندم، در

سال‌های اخیر ایشان از درد و مریضی رنج می‌کشید، ولی با این وجود مطالعه و دقت می‌کرد. دو سال قبل کتاب سیره علی ایشان کتاب سال شد و حق این اثر بود که کتاب سال شود. در نهایت بزرگواری با اینکه سر حال نبودند و از لبنان آمدند و وقتی من با ایشان تماس گرفتم و گفتم که با توجه به اوضاع حال شما می‌توانید تشریف بیاورید و یکی از فرزندان شما تشریف بیاورند و لوح را دریافت کنند، ایشان گفت که همه افتخار من به جمهوری اسلامی بود، افتخار من این بود که در جمهوری اسلامی کار کردم و کارم را شکل دادم، با افتخار می‌آیم و با افتخار لوح را از دست رئیس جمهور می‌گیرم. ایشان آمد و با خیلی سختی به روی سن رفتند و لوحشان را از آقای دکتر روحانی گرفتند، آقای دکتر روحانی و آقای صالحی خیلی به ایشان احترام کردند و واقعا هم حق ایشان بود. به نظر من، جمهوری اسلامی یکی از نیروهای بزرگ تحقیقی و پژوهشی و یکی از استوانه‌های خیلی جدی اش را در لبنان از دست داد. خدا ایشان را رحمت کند و روضان الهی از آن ایشان باشد. ایشان مرد بزرگی بود. ما مرد بزرگی را از دست دادیم.

جلوه ایشان در تاریخ بود، اما ایشان در فقه و اصول یدی داشتند. ایشان یک تفسیر سوره ضحی دارد، که بیش از سیصد صفحه است، در ذیل «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» که نوعا مفسران و مورخان این بحث که بین دو وحی به پیامبر اکرم ص مدتی فاصله شد، و اینکه پیامبر دلگیر بود که چرا وحی متوقف شده است را طرح کرده‌اند و با عالمانه‌ترین نقدهای روایات نشان داده‌اند که اصلا توقف وحی وجود نداشته است و تفاسیر دیگر ایشان هم قابل توجه است. من در تفسیر که مطالعاتی دارم، واقعا از تفاسیر ایشان لذت می‌برم، در تفسیر آدم بسیار قدرتمندی بودند و تاریخ جلوه کار ایشان بود. اگر مفسر و فقیه ما، اگر اصولی ما و هر یک از کارکننده‌ها در ابعاد گوناگون تاریخ و تمدن از تاریخ آگاهی‌های درستی نداشته باشند، با مشکل مواجه خواهند شد. آن گستره آگاهی‌های عجیب به ایشان قدرت داده بود که در ابعاد دیگر تمدن اسلامی هم مقتدر باشند. آقای جعفریان می‌گفتند که من در بحث تاریخ اسلام، عملاً نتیجه پژوهش‌های علامه مرتضی را عرضه می‌کنم، با اینکه خود ایشان هم در این زمینه بسیار مطالعه و پژوهش کرده‌اند».

و استاد رسول جعفریان هم می‌نویسد:

«بنده از سال ۶۱ که با ایشان آشنا شدم، خیلی زود در یافتنم که با یک مرد عالم و دانشمند و

معلم و یک مربی اخلاق بسیار عالی روبه رو هستم؛ بنابراین در تمام این سال‌ها، هیچ‌گاه، فرصتی را برای بهره‌گیری علمی از ایشان، از دست ندادم.

حجت الاسلام والمسلمین سید جعفر مرتضی، حاصل سه مکتب فکری بود: یکی مکتب لبنان که ادبیات نگارشی ایشان و انس و الفتش با آثار آن دیار، علاوه بر تربیت در دوره کودکی، میراث آن دوره است.

دیگر نجف که چند سالی در آنجا مانده و تحصیل کرده بود و البته جزء معدود طلبه‌هایی بود که آنجا را ترک و سال ۴۷ به قم آمد و تا سال ۷۳ در این حوزه بود.

سوم مکتب قم که عمده تحصیل و تحقیق و تالیفات ایشان در این جا بود. در قم، بیش از همه با سه استاد هم نشین بود: آیت الله سید مهدی روحانی، آیت الله احمدی میانجی و آیت الله میر محمدی. از طریق آن‌ها با جمعی از علمای دیگر مانند آیت الله شبیری زنجانی، آیت الله آذری و... مربوط بود. در کل، بیشتر تحت تاثیر آیت الله روحانی بود. همه آثارش را قبل از چاپ به آقای روحانی و احمدی میانجی می‌داد تا مرور کنند؛ چنان‌که در بسیاری از آن‌ها به آن‌ها اشاره کرده است.

حجت الاسلام والمسلمین سید جعفر مرتضی رحمته نبوغ خاصی در استنباط از نصوص تاریخی داشت. متون را زیاد می‌خواند و همزمان با سرعت انتقال، در تدوین مطالب هم بسیار سریع بود. ایشان در عین حال از نظرات آیات روحانی و احمدی میانجی استفاده می‌کرد با این حال، خودشان می‌گفتند: یادداشت نویسی پشت کتاب‌ها را که عملاً فیش نویسی از داخل کتاب بود، از آثار سید عبدالحسین شرف الدین یاد گرفتند.

ایشان فرد مستقلی بود؛ اما در کنار این‌ها، به نشر کارهایش می‌پرداخت. نخستین اثرش حیات سیاسی امام رضا ع به عربی در بیروت چاپ شد. شاید اندکی قبل یا بعد از آن کتاب حدیث الافک را چاپ کرد که قدرت نقادی تاریخی شگرفی از خود در هر دو اثر نشان داد. مقالاتی هم می‌نوشت که اندکی بعد، تحت عنوان مقالات و دراسات در چهار جلد منتشر شد. سید جعفر در دو اثر یاد شده یعنی حیات امام رضا و حدیث افک، نشان داد که ورودش در تاریخ متفاوت با دیگران است. هم روش دارد و هم اهل تتبع گسترده است. به هر حال، ایشان

در یک فضای پرنشاطی فعالیت نگارشی خود را آغاز کرد. رساله‌ای درباره مبدا تاریخ هجری نوشت که به فارسی هم در آمد. مقاله‌ای هم درباره ابوذری نوشت که با عنوان ابوذری مسلمان یا سوسیالیست ترجمه و منتشر شد.

اثر مهم ایشان که حوالی سال‌های ۵۹-۶۰ در فکر تالیف آن افتاده بود، *الصحيح من سيرة النبي ﷺ* بود. وقتی بنده در سال ۶۱ خدمتشان رفتم، این کتاب حروف چینی شده و در حال نشر بود و انقلاب اسلامی، زمینه‌ای برای استفاده از تاریخ اسلام را فراهم آورده بود. این کتاب قدری با احتیاط منتشر شد و تاثیر جدی در پژوهش‌های تاریخ اسلامی در قم گذاشت. بعدها ایشان آن را بازنویسی و تکمیل کرد.

آثارش (که بیشتر آن‌ها به فارسی ترجمه شده است) عبارتند از:

۱- *الصحيح من سيرة النبي الاعظم ﷺ* (۳۵ ج). کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

۲- *الصحيح من سيرة الامام علي ﷺ* (۵۳ ج).

۳- *ماسة الزهراء ﷺ* (۲ ج).

۴- *سيرة الحسين ﷺ في الحديث والتاريخ* (۲۴ ج).

۵- *كربلا فوق الشبهات*

۶- *مراسم عاشوراء (شبهات ورود)*

۷- *رد الشمس لعلی ﷺ*

۸- *ظلمة ابي طالب ﷺ تاريخ و نقد*

۹- *ظلمة ام كلثوم. تحقيق و دراسة*

۱۰- *الغدیر والمعارضون. او عواصف علی ضفاف الغدير*

۱۱- *علی ﷺ والخوارج*

۱۲- *حديث الافک*

۱۳- *اهل البيت في آية التطهير. دراسة و تحليل*

۱۴- *المتعة. دراسة و تحليل*

۱۵- *الشهادة الثالثة في الاذان و الاقامة. شبهات ورود*

۱۶- *المواسم و المراسم*

۱۷- *الولاية التشريعية*

۱۸- *لست بفوق ان اخطى من كلام علي ﷺ*

۱۹- *موقف علي في الحديبية*

۲۰- *میزان الحق*

۲۱- *الزواج الموقت في الاسلام*

۲۲- *الجزيرة الخضراء و مثلث برمودا*

۲۳- *الامام علي و النبي يوشع (تاريخ يعيد نفسه)*

۲۴- *افلاتذکرون (حوارات في الدين و العقيدة)*

۲۵- *أحيوا امرنا*

۲۶- *ابوذري لا اشتراكية... و لامزدكية*

۲۷- *الحياة السياسية للامام الحسن ﷺ*

۲۸- *الحياة السياسية للامام الرضا ﷺ*

حجة الاسلام و المسلمین سید جعفر مرتضی نقادانه کار می‌کرد و هر چند خط کشی مذهبی در بحث‌های انتقادی خود می‌کرد؛ اما کثرت تتبع، نقادی سندی و متنی و حدس‌های تند و تیز ایشان، راه را برای اظهارات جدید فراهم می‌کرد. به همین دلیل «الصحيح» خیلی تاثیر گذاشت و دیدگاه‌های ایشان شایع گردید. در کنار نگارش، تدریس تاریخ اسلام هم برای تعدادی از دانشجویان تربیت مدرس آغاز شد. علاوه بر آن افرادی از طلاب لبنانی و ایرانی هم به طور خصوصی نزد ایشان رفت و آمد داشتند و استفاده می‌کردند. همکاری‌هایی هم با سازمان امور اداری و استخدامی کشور داشت که روی بحث‌های گزینش معیارهای دینی و شرعی آن کار می‌کردند.

توجه به وضعیت طلاب لبنانی در ایران، یکی از کارهای اجرایی ایشان، بود؛ منتدی جبل عامل را ساخت؛ علاوه بر آن یک مدرسه بزرگ و همین طور تعداد قابل توجهی خانه برای لبنانی‌ها ساخت. سید جعفر، سخت علاقه‌مند به انقلاب بود و از وقتی که بحث‌های لبنان پیش آمد؛ و به خصوص زمانی که مرحوم سید محمد حسین فضل الله نفوذ و قدرتی داشت و به قم آمد، دائماً به منزل ایشان می‌رفت. البته مستقیماً خودش درگیر مسائل لبنان نبود. بعدها که مسائلی در اطراف اظهارات سید فضل الله پیش آمد، تا مدت‌ها تلاش کرد تا این مسائل را حل کند؛ اما وقتی به جایی نرسید، از ایشان فاصله گرفت. همین منازعه به نوعی باعث شد تا ایشان حوالی سال‌های ۷۲ یا ۷۳ ایران را ترک کرد و به لبنان رفت و در آنجا یک مرکز اسلامی و یک مدرسه درست کرد. در لبنان، علاوه بر تکمیل کتاب سیره نبوی در ۳۵ جلد بحبوحه جنگ میان لبنان و اسرائیل کتابچه‌های فراوانی به خصوص در

سایر خانواده محترم به ویژه فرزندان بزرگوار و عزیزانشان و عموم مسلمین بزرگوار در لبنان، این مصیبت بزرگ را تسلیت گفته و ابراز همدردی می‌نماییم.

علی‌الحسینی السیستانی

و آیت الله العظمی صافی هم فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

با تأسف و تأثر فراوان، خبر رحلت عالم بزرگوار، مدافع راستین اسلام و ولایت، علامه محقق آقای حاج سید جعفر مرتضی عاملی رضوان الله علیه را دریافت کردیم، انا لله و انا الیه راجعون.

شخصیتی که عمر پربرکت خود را در ارائه صحیح تاریخ اسلام و مذهب حقه جعفری و پاسخ به شبهات و دفاع از معارف نورانی اهل‌البيت: گذرانید و ده‌ها کتاب نفیس و ارزنده و معتبرا به عالم اسلام و حوزه‌های علمیه و پژوهشگران این عرصه تقدیم نمود. فقدان این روحانی وارسته برای مراکز علمی و دینی، ثلمه و خسارت است.

این جانب این ضایعه مولمه را به حضرات علمای اعلام، حوزه‌های علمیه و دانشگاهیان محترم به ویژه مردم شریف کشور لبنان و خاندان مکرم آن فقیه سعید تسلیت عرض نموده؛ از خداوند متعال علودرجات برای روح مطهر ایشان و صبر جمیل و اجر جزیل برای بازماندگان محترم مسئلت دارم.

۲۸ صفرالمظفر ۱۴۴۱

لطف الله صافی

و مقام معظم رهبری هم فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

خبر درگذشت عالم خدمتگزار و پرتلاش جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای سید جعفر مرتضی در لبنان را با تأسف دریافت کردم. این عالم بزرگوار با تالیفات وزین و پر حجم و محققانه خود در تاریخ صدر اسلام که از نگارشی شیوا و قلمی قدرتمند برخوردار است، خدمت بزرگی به دنیای اسلام تقدیم کرده و نیاز فرهنگی مهمی را برآورده ساخته است. این جانب به خاندان مکرم و بازماندگان ایشان و به جامعه علمی لبنان تسلیت عرض می‌کنم و رحمت و مغفرت الهی و حشر با اجداد طاهرین را برای وی مسئلت می‌نمایم.

سید علی خامنه‌ای

۲۹- الحیاة السیاسیة للإمام الجواد علیه السلام

۳۰- الاعتماد فی شرح مباحث التقلید و الاجتهاد (۳ ج)

۳۱- ابن عباس و اموال البصرة

۳۲- حقائق هامة حول القرآن الکریم

۳۳- سلمان الفارسی فی مواجهة التعدی

۳۴- الآداب الطبیة فی الاسلام

۳۵- دراسات و بحوث فی التاريخ و الاسلام

۳۶- ولاية الفقیه فی صحیحة عمر بن حنظلة

۳۷- موقع ولاية الفقیه من نظریة الحكم فی الاسلام

۳۸- الاسلام و مبدا المقابلة بالمثل

۳۹- نقش الخواتیم لدى الائمة

۴۰- اكدویتان حول الشریف الرضی

۴۱- السوق فی ظل الدولة الاسلامیة

۴۲- ادارة الحرمین الشریفین فی القرآن الکریم

۴۳- مبدا التاريخ الهجری

۴۴- تفسیر سورة هل اتی (۲ ج)

۴۵- تفسیر سورة الضحی و المسد

۴۶- تفسیر قصار السور

۴۷- مقالات و دراسات (۴ ج)

آن عالم بزرگوار، پس از عمری سرشار از خدمات علمی و دینی، بر اثر بیماری سرطان در ۷۵ سالگی در روز شنبه ۴ آبان ۱۳۹۸ (۲۷ صفرالخیبر ۱۴۴۱) - در شب رحلت پیامبر اکرم ۹م و شهادت امام مجتبی ۷، که برای هردو قلم زده و کتاب نوشته بود - بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع در روز ۲۸ صفر، و نماز برادرش آیت الله سید مرتضی مرتضی، در زادگاهش، روستای «عیث‌الجبل»، در کنار کتابخانه‌اش به خاک سپرده شد. در پی درگذشت ایشان پیام‌های تسلیت فراوان از سوی مراجع تقلید عالم تشیع و مقامات سیاسی ایران و لبنان صادر شد.

آیت الله العظمی سیستانی در پیام تسلیت خویش فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

علامه بزرگوار سید مرتضی مرتضی عاملی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

با نهایت تأسف و تألم خبر درگذشت برادران علامه محقق حجت الاسلام و المسلمین سید جعفر مرتضی عاملی که عمر مبارک خود را در راه خدمت به اهل‌البيت علیهم السلام و دفاع از آن‌ها و نشر معارف الهی سپری کرد، دریافت کردیم. به شما و